

چگونه انفعال غرب باعث توانمندی آذربایجان و روسیه شد

پایان ناگورنو–قره‌باغ

سجاد عزاداره
مترجم

تامس دی وال، پژوهشگر ارشد موسسه کارنگی ایالات متحده آمریکا، در مقاله‌ای با عنوان «پایان ناگورنو–قره‌باغ» به بررسی جنگ اخیر قره‌باغ پرداخته است. این مقاله با سئوگیری ارمنی به رشته تحریر درآمده و درعین حال این گزاره مهم را مطرح ساخته است که غرب در ماجرای اخیر بازنده بوده و این روسیه است که برنده این وضعیت می‌باشد. به علاوه، او بر این باور است که ارمنستان، برخلاف آذربایجان، متحد قابل اعتمادی برای غرب به شمار می‌رود.

جنگ سوم ناگورنو-قره‌باغ، منطقه ارمنی‌نشین داخل خاک آذربایجان که مدت‌ها بر سر حاکمیت آن اختلاف وجود داشته است، تقریباً به محض شروع به پایان رسید. در ساعت ۱۳ روز ۱۹ سپتامبر، نیروهای جمهوری آذربایجان با توپخانه و هواپیماهای بدون سرنشین طی یک عملیات «ضد ترور» این منطقه را آماج حمله خود قرار دادند. تنها ۲۴ ساعت طول کشید که ارمنه قره‌باغ که بر اثر یک محاصره اقتصادی چندماهه در آستانه قحطی قرار گرفته بودند، تسلیم شدند و آذربایجان عملاً کنترل این منطقه را در دست گرفت.

مرحله بعدی این تراژدی اکنون در حال آشکار شدن است. در صحنه‌هایی که یادآور بالکان دهه ۱۹۹۰ می‌باشد، کاروان‌های ماشین‌ها جاده کوهستانی قره‌باغ به ارمنستان را در حالی طی طریق می‌کنند که حامل هزاران قره‌باغی هستند که در حال ترک سرزمین خود می‌باشند. به نظر می‌رسد بسیاری با اکثریت جمعیت منزوی این منطقه در روزها و هفته‌های آینده به این مهاجران ملحق خواهند شد؛ امری که می‌تواند تکرار دور دیگری از پاکسازی عملی قومی در منطقه‌ای باشد که طی سال‌های گذشته چندین بار دیگر نیز شاهد این اتفاق بوده است. در این میان یک شکست بلندمدت بزرگ‌تر نیز وجود دارد؛ شکست چندین دولت غربی برای جلوگیری از بروز خشموت در وهله اول و سپس جلب رضایت ارمنی‌ها و آذربایجانی‌ها برای نیل به یک راه‌حل عادلانه برای این مناقشه شدید. این نتیجه برای مردم محلی منطقه – پس از ۳۵ سال سرخوشی، محاصره، پیروزی، شکست و همچنین بسیاری از اشتباهات سرنوشت‌ساز رهبران – یک پایان تلخ به شمار می‌رود. اتفاقی که نشان‌دهنده نابودی کامل پروژه‌ای به شمار می‌رود که در سال ۱۹۸۸، یعنی زمانی‌که ارمنی‌های قره‌باغ برای اولین بار تلاش کردند از آذربایجان شوروی جدا شوند، آغاز شد. البته این پیامدهای نامطلوب تنها به همین جا ختم نخواهد شد و از دست رفتن این سرزمین دارای تاریخ و میراث چندصده‌ساله، تا سال‌ها توسط ارامنه احساس خواهد شد.



دولت آذربایجان در حال جشن و سرور است. دولت باکو خواستار انحنال تمام ساختارهای سیاسی حاکم در این قلمرو – ریاست جمهوری محلی، پارلمان و شهردار– شده است و به‌علاوه خودمختاری سیاسی را هم که سایر اقلیت‌های اروپایی در موقعیت‌های مشابه از آن برخوردار شده‌اند، به ساکنان این منطقه ارائه نمی‌دهد. الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، به ارامنه قره‌باغ یادآوری کرده که پیشنهاد قبلی دولت او مبنی بر اعطای جایگاه خاص به این منطقه «به چشم‌رفته» و آنچه روی میز باقی مانده بود «حقوق آموزشی، حقوق فرهنگی، حقوق مذهبی و حقوق مربوط به انتخاب شهردار» است که هنوز تعریف نشده است. براساس این شرایط جدید، برخی از افراد مسن می‌توانند اقامت در قره‌باغ کوهستانی را انتخاب کنند و هزاران آذربایجانی هم که تا سال ۱۹۹۱ در این منطقه ساکن بودند، به آنجا برگردند؛ اما از تمام موسسات محلی که طی سه دهه در قره‌باغ ساخته شده است، چیزی باقی نمانده یا حداکثر اندک مواردی پابرجا خواهند بود. این نتیجه وحشیانه همچنین یک تفسیر واضح از نقش حاکم آینده منطقه، روسیه، خواهد بود. اگرچه قره‌باغ روی کاغذ تحت حمایت صلح‌بانان روسی بود، اما تضمین‌های مسکو درنهایت بی‌ارزش از آب درآمدند. روسیه در عوض دست به میانجی‌گری زده تا مردم محلی با خلع سلاح کامل «نیروهای دفاعی» خود که تعداد آنها بالغ بر چند هزار نفر بوده، موافقت نموده و مذاکراتی را درباره «ادغام مجدد» و کامل خود در آذربایجان آغاز کنند.

نکته نهایی اهمیت موضع مسکو است. مسکو درگیری ارمنستان و آذربایجان را در سال ۱۹۸۸ آغاز نکرد اما برای چهارمین بار (اگر درگیری کوتاه سال ۲۰۱۶ را نیز در نظر بگیریم)، برای نیل به آتش‌بس دست به مداخله زده و برای این کار قیمتی تعیین کرده و برنامه خود را پیش می‌برد. این بها ممکن است نگه داشتن نیروهای روسی در منطقه و به این ترتیب حفظ جای پای خود در آذربایجان باشد و به‌این‌ترتیب میانجی‌گران غربی –اتحادیه اروپا و ایالات متحده– را به حاشیه راند.

سرزمین من، نه سرزمین شما

خشموت، و نه دیپلماسی، همواره پیامدهای کلیدی مناقشه بر سر قره‌باغ کوهستانی را تعیین کرده است؛ اتفاقی که ارتباط زیادی با پروژه‌های قوم‌گرایی متقابل و انحصاری ارمنستان و آذربایجان دارد که هیچ‌کدام نمی‌توانند ترتیبات فاقد ثباتی را که قدمت آنها به آغاز دوران کمونیستی بازمی‌گردد، بپذیرند. در سال ۱۹۲۱، بلشویک‌ها به این استان دارای اکثریت ارمنی، وضعیت خودمختار در داخل آذربایجان شوروی ارائه کردند.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، مذاکرات جاری با حمایت بین‌المللی سعی در موازنه بین تمامیت ارضی آذربایجان و آرمان‌های ارمنی‌های قره‌باغ داشتند؛ اما آنچه روی میز بود، نتیجه استفاده از نیروی میدانی بود؛ پیشنهادهای سخاوتمندانه‌تر به ارمنی‌ها تا سال ۲۰۲۰ که آنها در موقعیت مسلط بودند و تمایل به سمت آذربایجان پس از غلبه بر درگیری‌های آن سال.

نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان، در سال ۲۰۲۲ و در پی از دست رفتن عملی کنترل ناگورنو-قره‌باغ، علناً صرف‌نظر ایروان از ادعاهای ارضی خود درباره این منطقه را اعلام کرد. در مقابل، او در مذاکرات خود با مقامات جمهوری آذربایجان که با تسهیلگری اتحادیه اروپا ممکن شده بود، فرمولی مبتنی بر حقوق و امنیت ارامنه قره‌باغ را مطرح کرد. در این میان، علی‌اف هم به‌طور مکرر از اصطلاح «تمامیت ارضی» استفاده می‌کرد؛ گویی که دولت اجازه دارد با هر جامعه‌ای که تحت کنترلش است، آنچه را که می‌خواهد انجام دهد و از جنگ در اوکراین به‌عنوان پوششی برای این موضوع استفاده کرد. مقامات غربی به او گفته بودند که قره‌باغ به قلمرو آذربایجان باز خواهد گشت، اما صبر لازم است. حتی او اخیراً و در اواسط سپتامبر تماس‌هایی از مقامات ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی دریافت کرد که به او نسبت به توسل به نیروی نظامی هشدار دادند. بااین‌حال علی‌اف تصمیم گرفت یک بار دیگر این کار را انجام دهد. اقدامات علی‌اف مبتنی بر منطقی داخلی هستند. او به مدت دو دهه، رهبر یک دولت اقتدارگرا بوده که در آن هیچ مقام محلی منتخب دموکراتیکی وجود ندارد و اقلیت‌ها نیز از حمایت رسمی چندانی برخوردار نیستند. در این شرایط، چرا علی‌اف باید با خواسته‌های غرب برای مدلی از حل مناقشه موافقت کند که او را وادار به ارائه خودمختاری به یک گروه اقلیت محلی نموده و جایگاه او را تضعیف می‌سازد؟

علاوه‌بر این، علی‌اف آشکاراً معتقد است ترکیه و روسیه، و نه کشورهای غربی، تنها قدرت‌هایی هستند که او باید آنها را جدی بگیرد. اگرچه آنکارا و مسکو بر سر چیزهای زیادی با هم توافق دارند، اما هر دو انتفاع خود را در تحدید تعامل غرب با قفقاز جنوبی می‌دانند؛ منطقه‌ای که این دو کشور به‌طور سنتی در آن نفوذ داشته‌اند. علی‌اف متوجه شده بود که ترکیه از

تلاش او برای به دست گرفتن کنترل کامل قره‌باغ حمایت خواهد کرد، روسیه از این اقدام جلوگیری نخواهد کرد و غرب که دارای اهرم اندکی در این منطقه است، قادر نخواهد بود او را از تغییر واقعیات میدانی باز دارد. این عملیات برق‌آسا همچنین سبب شد مشروعیت شخصی علی‌اف تحکیم شود و او کاری را که در پاییز ۲۰۲۰ آغاز کرده بود، به پایان برساند. پس از سال‌ها تحقیر به دست ارامنه، او بازگشت به جنگ را انتخاب کرد و شکست سختی را به آنها تحمیل ساخت. درنتیجه، توانست وضعیت قره‌باغ کوهستانی را معکوس سازد و جایگاه خود را در آذربایجان به عنوان یک رهبری قویب در این فرآیند متحول کند.

هزینه انسانی جنگ ۲۴۰ هزار نفر کشته و حدود ۷ هزار نفر تنها در شش هفته نبرد جان خود را از دست دادند. به علاوه، توازن قومی در منطقه نیز تغییر یافت. از یک سو، با بازپس‌گیری نواحی اطراف قره‌باغ کوهستانی که به مدت دو دهه و نیم توسط نیروهای ارمنی ویران و اشغال شده بود، صدها هزار پناهنده آذربایجانی به خانه‌های خود بازگشتند. بااین‌حال، وضعیت برای ارامنه باقی‌مانده قره‌باغ (که تعداد آنها از ۶۰ هزار تا ۱۲۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود) بسیار مخاطره‌آمیز بود. کریدور لاینچین به طول سه مایل، تنها مسیر آنها برای دسترسی به ارمنستان، یک راه نجات باریک و آسیب‌پذیر بود که آنها را به برادران قومی خود متصل می‌کرد. ارمنی‌ها برای باز نگه داشتن این راه کاملاً وابسته به نیروی کوچک حافظ صلح روسیه و همچنین روابط مسکو با باکو بودند.

اما آغاز جنگ با اوکراین سبب انحراف توجه روسیه و تغییر اولویت‌های آن در قفقاز شد. آذربایجان که مسیر زمینی اصلی روسیه به سمت جنوب به شمار می‌رفت، به شریک مهم‌تری نسبت به (ارمنستان، متحد مسیحی سنتی مسکو در قفقاز، تبدیل شد. فماتی که آذربایجان در دسامبر کریدور لاینچین را مسدود کرد، کسب موافقت روسیه بسیار مهم بود.

فقط حرف و عمل نه!

بازگشت به خشونت در سپتامبر همچنین یادآور شکست تلاش‌های خوش‌نیت اما غالباً دلسردانه غرب در جهت ایجاد چهارچوبی برای امنیت و حقوق اروپایی برای قفقاز جنوبی است. حداقل روی کاغذ، دیپلمات‌های غربی برای دهه‌ها از رویکردی در قبال قره‌باغ حمایت کرده‌اند که براساس اصول حقوق بین‌المللی و الگوبرداری از حل مناقشات بالکان شکل گرفته است. روی کاغذ، چنین حل‌وفصلی شامل استفاده از حافظان صلح بین‌المللی، دادگاه‌های جنایات جنگی، خودمختاری سیاسی و درنهایت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ارمنی‌های قره‌باغ و آذربایجانی‌ها خواهد بود.

در سال ۱۹۹۲، زمانی که اولین جنگ بر سر این سرزمین به نبرد‌هایی تمام‌عیار تبدیل شد، وزرای خارجه سازمان تازه‌تاسیس امنیت و همکاری اروپا در هلسنکی گرد هم آمدند و خواستار برگزاری کنفرانسی در مینسک برای حل این مناقشه شدند. قرار بود همه طرف‌ها، ازجمله «نمایندگان منتخب قره‌باغ کوهستانی و دیگران» - به عبارت دیگر، هم ارمنی‌های قره‌باغ و هم آذربایجانی‌ها- در این نشست شرکت کنند؛ اما درنهایت این کنفرانس هرگز برگزار نشد.

قرار بود میانجی‌گری سازمان امنیت و همکاری اروپا در قره‌باغ، براساس اصول توافقنامه هلسنکی- توافقی‌نامه منعقدشده بین غرب و اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۷۵ باشد که به‌طور رسمی تمامیت ارضی، حق تعیین سرنوشت و عدم استفاده از زور را برای حفظ صلح اروپا ضروری دانست؛ اما در عمل هیچ یک از این اصول رعایت نشد. درواقع تعهد بین‌المللی به این مناقشه همیشه فاقد منابع لازم بوده است، زیرا قفقاز جنوبی به‌شدت حاشیه‌ای تلقی می‌شود.

پس از سال ۱۹۹۸، ارمنی‌های قره‌باغ دیگر در مذاکرات حضور نداشتند؛ امری که تا حد زیادی دلیل آن رئیس‌جمهور تازه ارمنستان، رابرت کوچاریان بود که یک ارمنی متولد قره‌باغ به شمار می‌رفت و مدعی بود که می‌تواند از طرف مردم منطقه مذاکره کند. دیپلماسی نیز به‌گفت‌وگوهای محرمانه بین رهبران آذربایجان و ارمنستان تقلیل یافت.

در این میان ارمنی‌های قره‌باغ خود را در یک خلأ یافتند و بدون فرآیند صلح فراگیر یا مشارکت قوی بین‌المللی از فشار صرف برای تعیین سرنوشت خود به‌بازیبوند خواهی رادیکال‌تر تغییر جهت دادند. آنها در سال ۲۰۱۷ و با برخورداری از تشویق‌های ناسیونالیست‌های ارمنی منطقه و همچنین دیاسپورای ارمنی، نام این منطقه را رسماً به آرتساخ تغییر دادند؛ نامی ارمنی که قدمت آن به دوران اسکان بازمی‌گردد. مفهوم این کار آن بود که آذربایجان باید نه‌تنها از قره‌باغ کوهستانی بلکه از مناطق اطراف تحت‌کنترل ارمنستان نیز دست بردارد.

طرف آذربایجانی هم به‌نوبه خود علاقه چندانی به برقراری مذاکرات اساسی نداشت و پروژه روانیستی خود را بر افق مجدد سرزمین‌های خود ساخت. هیچ رهبر آذربایجانی برای ۳۰ سال مستقیماً با ارامنه قره‌باغ مذاکره و هیچ پیشنهاد رسمی هم برای آینده آنها در آذربایجان ارائه نکرد. البته میانجی‌های غربی در این میان به فرمول‌های صلح هوشمندانه‌ای دست یافتند، اما هرگز نتوانستند مانند یوسنی یا کوزوو، «چکمه‌های لازم برای این کار فراهم کنند. همه این اتفاقات قوی‌ترین اهرم را در اختیار روسیه گذاشت و در پایان جنگ ۲۰۲۰، این کشور عملاً به تنها قدرت خارجی تبدیل شد که مستقیماً مداخله کرد و چکمه‌های خود را در قالب نیروهای حافظ صلح روی زمین گذاشت.

پایان دادن به هژمونی روسیه

نقشه‌های مدرن قفقاز جنوبی بین سال‌های ۱۹۱۸ و ۱۹۲۱، درطول جنگ جهانی اول و پس از آن ترسیم شده‌اند. ارمنی‌ها و آذربایجانی‌ها سپس بر سر مناطق مورد مناقشه قره‌باغ، نخجوان و زنگه‌زور به جنگ پرداختند و ارتش‌های ترکیه و روسیه نیز در این میان درحال ورود و خروج بودند. به‌نظر می‌رسد آنچه امروز درحال رخ دادن است بازگشتی غم‌انگیز به آن دوران است؛ اتفاقی که با عقب‌نشینی سازمان‌های چندجانبه مانند سازمان امنیت و همکاری اروپا و سازمان ملل و عدم توجه به خواست بازیگران غربی برای پایدنی به اصول بین‌المللی همراه شده است.

در ۱۴ سپتامبر در سنای ایالات متحده، که مقام ارشد دولت بایدن گفت: «ایالات متحده از هیچ اقدام یا تلاشی – کوتاه‌مدت یا بلندمدت – برای پاکسازی قومی یا ارتکاب جنایات دیگر علیه جمعیت ارمنی قره‌باغ کوهستانی متحمل نخواهد شد.» پنج روز بعد آذربایجان عملیات نظامی خود را آغاز کرد. سپس در ۲۱ سپتامبر در سازمان ملل، وزیر امور خارجه آلمان گفت: «آوارگی و مهاجرت اجباری ارامنه قومی از قره‌باغ قابل‌قبول نیست.» درحالی‌که سفیر ایالات متحده خواستار یک ماموریت بین‌المللی در محل شد اما پرواز ارامنه قره‌باغی تنها در چند روز پس از آن افزایش یافته است.

کمک‌های بین‌المللی قطعاً به حل یک موضوع فوری کمک خواهند کرد؛ برنامه‌های موجود برای «خلع‌سلاح» نیروهای مسلح محلی. صحبت‌هایی درباره عفو هم وجود دارد اما بسیاری از ارامنه قره‌باغ بیم آن را دارند که نیروهای آذربایجانی خودسرانه هر نظامی ارمنی، چه فعلی و چه سابق را که در دو جنگ علیه آنها شرکت کرده‌اند، بازداشت کنند. بااین‌حال به نظر می‌رسد آذربایجان قصد دارد مانع حضور هرگونه نیروی بین‌المللی در قره‌باغ شود، حتی اگر این امر مستلزم انجام معامله با مسکو باشد. این درحالی است که روسیه در سازمان ملل تأکید کرد که نیروهای حافظ صلح این کشور تنها نیروهای بین‌المللی موردنیاز در منطقه هستند. (این درحالی است که روسیه نتوانست از حمله آذربایجان جلوگیری کند و شش صلح‌بان روسی در این میان جان خود را از دست دادند.)

کارت قوی دیگری که در دستان روسیه قرار دارد، این است که تنها چهارچوب توافقی که هنوز هم پابرجاست- حتی علی‌رغم از حیز انتفاع خارج شدن بیشتر مفاد آن- توافق آتش‌بس سه‌جانبه‌ای است که با میانجی‌گری مسکو در ۹ نوامبر ۲۰۲۰ و با مشترک علی‌اف، پاشینیان و پوتین امضا شده است. یکی از بندهای این قرارداد آن است که میزبانان سرویس امنیتی روسیه از کریدور ترانزیتی ارمنستان به نخجوان محافظت خواهند کرد – امری که با توجه به جنگ روسیه در اوکراین بیشتر به شمار می‌رود.

میدان نبرد دیپلماتیک بعدی دقیقاً در همین حوزه قرار دارد. قدرت‌های غربی – و در حالت ایده‌آل با همراهی سازمان ملل – باید تلاش کنند توافق فوق‌الذکر را از زیر قیمومیت روسیه خارج و آن را بین‌المللی‌تر کنند. البته ممکن است آذربایجان و روسیه در مقابل این اقدام مقاومت کنند. آنچه سبب نگرانی بیشتری می‌شود، این احتمال است که ارمنستان به جبهه درگیری آتی تبدیل شود پاشینیان، رهبر دمدمی مزاج و معجول که البته به‌صورت دموکراتیک انتخاب شده، علی‌رغم تخاصم شدید دولت روسیه نسبت به او دوام آورده است اما این نگرانی وجود دارد که آذربایجان به فشار خود ادامه دهد، درست مانند یک‌دهه پیش که ارمنی‌های ملی‌گرا مدعی سرزمین‌های آذربایجان بودند، این بار آذربایجان دست‌به‌کار شده است. علی‌اف دسامبر گذشته به ناگهان شروع به صحبت درباره «آذربایجان غربی» - اشاره به سرزمین‌های ارمنستان – کرد.

بحران کنونی درحال تغییر نگرش غرب نسبت به ارمنستان و آذربایجان است. پاشینیان حرکاتی را برای نزدیکی به غرب انجام داده، آشکارا ناامیدی خود را از مسکو ابراز و قصد ارمنستان برای تصویب اساسنامه رم دادگاه کیفری بین‌المللی را اعلام کرده است؛ اقدامی که ازنظر فنی به این معنی است که پوتین درصورت بازگذاشتن در خاک ارمنستان در معرض دستگیری قرار خواهد گرفت. در سال جاری، اتحادیه اروپا یک ماموریت نظارتی را در ارمنستان و در نزدیکی مرز آذربایجان مستقر کرد که اولین ماموریت از این نوع در خاک یک متحد اسمی روسیه به‌شمار می‌رود. در مقابل جاذبه آذربایجان برای غرب بسیار بیشتر جنبه معامله‌ای دارد و بر کریدورهای حمل‌ونقل و توافق برای تأمین حجم مناسبی – و نه البته بسیار زیاد- از گاز برای اتحادیه اروپا، به‌عنوان جایگزینی برای واردات از روسیه متمرکز است.

خروج دسته‌جمعی ارامنه قره‌باغ جرقه اعتراضاتی را در ایروان برانگیخته است که می‌تواند در هفته‌های آینده بقای دولت پاشینیان را تهدید کند. روسیه نیز خواستار کنار رفتن پاشینیان است. در درازمدت ارمنستان دموکراتیک در مقایسه با آذربایجان ضعیف و مستبد برای منافع غرب و پروژه‌های همگرایی اروپا مفیدتر است. شاید اگر ارمنستان به یک معاهده بزرگ‌تر با اروپا دست یابد، قفقاز متحول شود.

اما برای ارمنی‌های قره‌باغ کوهستانی، این نزدیکی مطمئناً بسیار دیر خواهد بود. با توجه به اینکه باکو کنترل منطقه سکونت آنها را در دست گرفته است، تصور حصول نتیجه‌ای که بتواند از میراث تاریخی آنها محافظت و سکونت تعداد زیادی از آنها را در این منطقه تضمین کند، دشوار است. پیامد‌ها، اتهامات و هزینه‌های انسانی شکست آنها برای دهه‌های آینده ظنین‌انداز خواهد شد.

یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج – انتهای رجایی‌شهر – تقاطع بلوار موزن و استقلال – صندوق پستی ۳۱۳-۳۱۴۵ ارسال نماید.

مدرک موقت محسن رحیمی‌راد فرزند حسین دارای شناسنامه به شماره: ۳۱۱۵۵ صادره از تهران رشته کارشناسی عمران صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس: استان مرکزی- ساوه- کیلومتر ۴ جاده نورعلیبیک- شهرک دانشگاهی خاتم‌الانبیاء(ص) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به صندوق پستی ۳۹۱۸۷-۳۶۶ ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب سهیل صادقی شجاع فرزند حسنعلی به شماره شناسنامه ۱۷۴۰۷۶۴۲۹۳ صادره از اهواز مقطع کارشناسی رشته مهندسی عمران صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۱۳۹۳۱۱۵۰۴۲۹۴ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج- انتهای رجایی‌شهر- تقاطع بلوار موزن و استقلال- صندوق پستی ۳۱۳-۳۱۴۵ ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی (دانشنامه) اینجانب پرنیا علی‌اصغرزاده رابعی فرزند اکبر به شماره ملی ۱۵۵۲۳۵۰۸۸۱ درمقطع کارشناسی رشته پرستاری صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه به نشانی مراغه – اتوبان شهید درخشی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب ایوبذر دانشی فرزند غلامحسین به شماره شناسنامه ۱۵۹۲ صادره از جیرفت در مقطع کارشناسی رشته زیست علوم گیاهی صادره از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی واحد جیرفت مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک (گواهی موقت و دانشنامه) را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت به نشانی جیرفت خیابان دانشجو دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت ارسال نماید.

سند کمپانی و برگ سبز خودرو سواری ۱۳۱ مدل ۹۲ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور۴۹۴۱۰۹ و به شماره شاسی ۳۶۱۶۳۵۰ D ۴۱۱۱۰۰ NAS و به شماره پلاک ۱۴-۱۸۵ و ۴۹ به نام زهرامحمدلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.



چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۲



شماره ۳۹۷۲



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY

سازمان آگهی‌های روزنامه
تلفن وفکس:

۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵

ایمیل: a۶۶۳۴۸۰۱۸@gmail.com

WWW.FDN.IR